



کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان

سیاست‌های اجرایی سال ۱۴۰۵

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تهیه و تنظیم: اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

سیاست‌های اجرایی، به‌عنوان ترجمه سالانه برنامه راهبردی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چارچوبی مشخص برای هدایت اقدامات، برنامه‌ها و تصمیمات عملیاتی در بازه زمانی یک‌ساله فراهم می‌سازند. این سیاست‌ها نه در سطح کلیات راهبردی باقی می‌مانند و نه وارد جزئیات اجرایی می‌شوند، بلکه حلقه واسط مؤثر میان برنامه راهبردی بلندمدت و برنامه‌های عملیاتی واحدها به‌شمار می‌آیند.

هدف اصلی سیاست‌های اجرایی، ایجاد تمرکز، هم‌راستایی و انسجام سازمانی است؛ به‌گونه‌ای که کلیه طرح‌ها، اقدامات و ابتکارات واحدهای ستادی، استانی و مراکز، ذیل یک جهت‌گیری مشترک تعریف شده و از پراکندگی منابع، موازی‌کاری و اقدامات جزیره‌ای جلوگیری شود. بر این اساس، سیاست‌های اجرایی مبنای مشترک تصمیم‌گیری مدیریتی، اولویت‌بندی برنامه‌ها و پروژه‌ها و تخصیص منابع انسانی، مالی و رسانه‌ای در سطح کل کانون قرار می‌گیرند. سیاست‌های اجرایی کانون در سال ۱۴۰۵ در دو سطح مکمل و به‌هم‌پیوسته تنظیم می‌شوند:

- سیاست‌های کلان اجرایی: این سیاست‌ها، نقطه تمرکز محوری کانون در سال ۱۴۰۵ را تعیین می‌کند و مشخص می‌سازد که در این سال، «مهم‌ترین میدان اثرگذاری، اولویت تخصیص منابع و معیار اصلی موفقیت» چیست. این سیاست‌ها جهت‌دهنده تمامی تصمیمات کانون در سال ۱۴۰۵ بوده و کلیه برنامه‌ها و اقدامات، باید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در خدمت تحقق آنها قرار گیرند.
- در کنار سیاست‌های کلان، چهار نقطه تأکید به‌عنوان اصول حاکم بر اجرای سیاست‌ها نیز ارائه شده است. این اصول، جهت‌گیری مکمل سیاست‌های کلان را شکل می‌دهد و چارچوب تحقق سیاست‌ها را منسجم می‌سازد. اصول اجرائی به‌صورت فراگیر بر تمامی فعالیت‌ها، برنامه‌ها و اقدامات کانون جاری بوده و سیاست‌های کلان الزاماً باید در چارچوب آنها طراحی، اجرا و پایش شوند تا اثربخشی و انسجام سیاست‌ها در سطح ملی حفظ گردد.

بخش اول : سیاست های کلان

سیاست‌های اجرایی کانون در سال ۱۴۰۵ بر دو محور اصلی و تعیین‌کننده استوار است. این دو محور، هم‌زمان نقش نقطه تمرکز سازمانی و مبنای جهت‌دهی به برنامه‌های عملیاتی را ایفا می‌کنند و ملاک اصلی سنجش موفقیت کانون در این سال به‌شمار می‌آیند.

✓ سیاست ۱: نوجوان‌محوری

سیاست نوجوان‌محوری به این معناست که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۴۰۵، نوجوان را نه صرفاً یکی از گروه‌های مخاطب، بلکه «مسئله اصلی نظام فرهنگی و تربیتی خود» و نقطه کانونی تمامی تصمیم‌ها، برنامه‌ها و تخصیص منابع قرار دهد. این سیاست ناظر به یک انتخاب آگاهانه و راهبردی است که بر اساس آن، سنجش موفقیت کانون بیش از هر چیز بر مبنای میزان اثرگذاری واقعی بر زیست فرهنگی، هویتی و تربیتی نوجوانان انجام می‌گیرد، نه صرفاً بر مبنای حجم فعالیت‌ها یا گستره خدمات ارائه‌شده.

ضرورت اتخاذ این سیاست از آنجا ناشی می‌شود که علی‌رغم گسترش نهادها، برنامه‌ها و مداخلات فرهنگی در حوزه نوجوان، این گروه سنی همچنان با چالش‌های عمیق هویتی، اجتماعی و رسانه‌ای مواجه است و بخش قابل توجهی از مراکز فرهنگی کشور در ایجاد ارتباط مؤثر، پایدار و اقناعی با نوجوانان با فاصله معناداری از وضعیت مطلوب قرار دارند. تغییر الگوهای زیست، شکل‌گیری هویت در بستر رسانه‌های نوین و کاهش مرجعیت نهادهای رسمی، موجب شده است که نوجوان بیش از گذشته از خدمات فرهنگی فاصله بگیرد و همین امر، ضرورت بازتعریف جایگاه نوجوان در سیاست‌گذاری فرهنگی کانون را دوچندان می‌سازد.

در این چارچوب، کانون با اتکا به مأموریت تاریخی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت نهادی خود، نوجوان‌محوری را به‌عنوان یک سیاست هویتی و جهت‌دهنده حفظ می‌کند تا از پراکندگی موضوعی فاصله گرفته و بر یک مسئله اولویت‌دار و راهبردی متمرکز شود. این سیاست الزام‌آور در سطح جهت‌گیری است و انتظار می‌رود تمامی برنامه‌ها و اقدامات اجرایی، نسبت خود را با مسئله نوجوان به‌صورت شفاف تعریف کنند. هدف نهایی این سیاست، تقویت نقش کانون به‌عنوان یک مرجع معتبر و اثرگذار در زندگی نوجوانان و ایجاد پیوندی معنادار، داوطلبانه و پایدار میان نوجوانان و کانون است.

در چارچوب سیاست نوجوان‌محوری، محصولات و خدمات کانون باید با تمرکز بر تقویت ابعاد درونی و زیست‌جهانی نوجوانان به‌ویژه با تأکید بر ارتقای حس مسئولیت‌پذیری و کنشگری اجتماعی، ایران‌دوستی و حب‌وطن، عزت‌نفس و امید به آینده، معنویت و هویت ایرانی-اسلامی و سلامت، سرزندگی و نشاط اجتماعی طراحی شود. این محورها نه به‌صورت موضوعات

انتزاعی، بلکه بایستی به‌عنوان عناصر زنده در روایت‌ها، محتواها، تجربه‌های آموزشی و محصولات تولیدی کانون حضور یابند تا نوجوان در تجربه خود از کانون، احساس رشد درونی، تعلق فرهنگی و نقش‌آفرینی فعال را لمس کند. واحدهای ستادی، ادارات کل استانی و مراکز کانون، در اجرا و پیاده‌سازی سیاست نوجوان محوری بایستی اقدامات زیر را به‌عنوان مبنای تدوین برنامه سالانه مدنظر قرار دهند:

۱. جهت‌دهی اولویت‌های تولید به دغدغه‌ها و زبان فرهنگی نسل نوجوان

این سیاست بر آن تأکید دارد که انتخاب موضوع، محتوا و قالب آثار تولیدی کانون در سال ۱۴۰۵، بر اساس شناختی عمیق و واقعی از زندگی، دغدغه‌ها و جهان ذهنی نوجوان امروز انجام شود. تصمیم‌گیری درباره تولید آثار باید به‌گونه‌ای انجام شود که نزدیکی اثر با زبان، احساسات و مسائل واقعی نوجوانان به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، کانون به‌صورت هدفمند از تولید آثاری که تطبیق کمی با جهان فکری و زبانی نوجوان امروز دارد فاصله می‌گیرد و تمرکز خود را بر تولید آثاری می‌گذارد که برای نوجوان عصر حاضر ملموس و معنادار باشد.

۲. مشارکت محتوایی نوجوانان در فرآیند طراحی، تولید و توزیع محصولات و خدمات

این سیاست بر عبور از نگاه «نوجوان به‌عنوان مخاطب منفعل» و پذیرش او به‌عنوان «کنشگر فرهنگی» در نظام تولید و ارائه خدمات و محصولات کانون دلالت دارد. مشارکت محتوایی در این‌جا به معنای ورود نوجوانان به سطح تصمیم‌سازی، داوری و بازخورددهی در چرخه تولید است، نه صرفاً استفاده ابزاری یا نمادین از حضور آنان. این سیاست الزام می‌کند که دیدگاه نوجوان به‌عنوان یک مرجع معتبر در شکل‌گیری سیاست‌های تولید و سنجش کیفیت آثار لحاظ شود و ارزیابی موفقیت تولیدات، بدون توجه به ادراک و تجربه نوجوان، ناقص تلقی گردد.

۳. تمرکز بر ارتقای تنوع قالب‌های بیانی متناسب با سطوح مختلف سنی نوجوانان

این سیاست ناظر بر به‌رسمیت‌شناختن «تکثر درون‌نسلی نوجوانان» است؛ به این معنا که نوجوانان یک گروه همگن نیستند و تفاوت‌های سنی، جنسیتی، فرهنگی و رسانه‌ای آنان، به تفاوت در شیوه ارتباط و دریافت معنا منجر می‌شود. بر این اساس، بایست از تک‌قالبی و الگوی یکنواخت تولید فاصله گرفته شود و تنوع قالب‌های بیانی به‌عنوان یک اصل راهنما در نظر گرفته شود. این سیاست تأکید می‌کند که انتخاب قالب، زبان و رسانه باید تابع مرحله رشد و تجربه فرهنگی نوجوان باشد و نه صرفاً امکانات یا عادت‌های تولیدکننده؛ تا بدین‌وسیله ارتباط مؤثر، انتخاب‌گری و ماندگاری تجربه فرهنگی نوجوان تقویت شود.

۴. تدوین قواعد حفاظت فرهنگی و اخلاقی در تعامل نوجوانان با فضای دیجیتال

این سیاست بر ضرورت حضور ایمن، آگاهانه و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی در فضای مجازی تأکید دارد. مقصود آن است که در سطح سیاست اجرایی، چارچوب‌های الزام‌آور برای طراحی و انتشار محتوا، خدمات و تعاملات

به‌گونه‌ای تعیین شود که نوجوان ضمن بهره‌مندی از آزادی تجربه و کاوش، از آسیب‌های اخلاقی، فرهنگی و شناختی مصون بماند. این سیاست، حفاظت را نه محدودسازی، بلکه هدایت فعال و سازنده می‌داند؛ به این معنا که مأموریت کانون، ساخت محیطی سالم، معنادار و اعتمادساز برای تجربه دیجیتال نوجوان است تا در آن، اخلاق، حقیقت‌جویی و هویت ایرانی‌اسلامی از مسیر تعامل زنده با فناوری پرورش یابد.

۵. پشتیبانی از نوآوری بومی و پلتفرم‌های محتوایی نوجوانان در چارچوب هویت ایرانی‌اسلامی

این سیاست بر رشد اکوسیستم بومی تولید محتوا و خدمات دیجیتال ویژه نوجوان تأکید دارد. در سطح سیاستی، باید منابع، مشوق‌ها و همکاری‌ها به سوی توسعه پلتفرم‌هایی هدایت شود که روایتگر ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناسی ایرانی‌اسلامی در زبان و قالب نوجوان امروز باشند. این سیاست تکیه بر نوآوری را به معنای پیوند خلاقیت نسل جدید با میراث فرهنگی کانون می‌داند و از آن به‌عنوان ابزاری برای استقلال فرهنگی در فضای دیجیتال یاد می‌کند.

۶. بازطراحی برنامه تربیت مربی بر اساس ویژگی‌ها و الگوهای ارتباطی نسل نوجوان امروز

این سیاست ناظر بر تغییر مبنای تربیت مربی از الگوهای سنتی و محتوای محور به الگوهای ارتباطی و تجربه‌محور است. بازتعریف «صلاحیت مربی» بر اساس توان فهم زیست‌جهان نوجوان، برقراری ارتباط مؤثر، همراهی در فرآیند هویت‌یابی و تسهیل تجربه‌های یادگیری جهت اجرای این سیاست مورد تأکید است. مقصود آن است که نظام تربیت مربی، خود را با زبان، رسانه، دغدغه‌ها و شیوه‌های تعامل نوجوان امروز هم‌تراز سازد؛ به‌گونه‌ای که مربی نه در مقام ناصح یا مجری برنامه، بلکه به‌عنوان همراه رشدی و کنشگر فرهنگی قابل اعتماد برای نوجوان عمل کند. این سیاست، پایه‌ی نوجوان‌محوری واقعی در میدان عمل کانون است.

۷. الزام برنامه‌های استانی به تطبیق با نیازها و الگوهای فرهنگی خاص نوجوانان هر منطقه

این سیاست بر نفی الگوی یکسان‌سازی فرهنگی در اجرا تأکید دارد. ادارات کل استانی و مراکز موظفانند برنامه‌های اجرایی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که برنامه‌ها، خدمات و فعالیت‌ها با بافت فرهنگی، اجتماعی، زبانی و هویتی نوجوانان هر منطقه تطبیق یابد. مقصود آن است که نوجوان‌محوری در استان، به معنای پاسخ‌گویی واقعی به تفاوت‌ها باشد، نه صرف تکرار برنامه‌های ملی با برچسب محلی. این سیاست، اختیار بومی‌سازی را به رسمیت می‌شناسد و استان را به واحد خلاق تطبیق سیاست ملی با واقعیت‌های نوجوانان منطقه تبدیل می‌کند.

۸. استقرار نظام مشورتی نوجوانان استان به‌عنوان سازوکار رسمی مشارکت در تصمیم‌سازی کانون

این سیاست مشارکت نوجوان را از سطح نمادین و مقطعی به سطح نهادی و رسمی ارتقا می‌دهد. ادارات کل استانی موظفانند سازوکاری پایدار برای دریافت نظر، تحلیل دیدگاه و استفاده واقعی از مشورت نوجوانان در

تصمیم‌های فرهنگی و تربیتی ایجاد کنند. مقصود آن است که نوجوانان در استان، صدایی شنیده‌شده و مؤثر در سیاست‌گذاری داشته باشند و مشارکت آنان به بخشی از چرخه تصمیم‌سازی تبدیل شود. این سیاست، اعتماد متقابل میان کانون و نوجوانان را تقویت کرده و نوجوان‌محوری را به یک رویه مدیریتی تثبیت‌شده بدل می‌کند. در جدول زیر، شاخص‌های پایش و ارزیابی سیاست نوجوان‌محوری ارائه شده است. این شاخص‌ها به عنوان معیار ارزیابی میزان موفقیت کانون در اجرا و پیاده‌سازی این سیاست در سال ۱۴۰۵ محسوب می‌شود.

شاخص‌های پایش و ارزیابی سیاست نوجوان‌محوری

روش سنجش	هدف	شاخص‌های کمی و کیفی
گزارش‌گیری	۳۰ درصد	۱- رشد عضو نوجوان در مراکز: درصد افزایش تعداد اعضای نوجوان نسبت به سال ۱۴۰۴ در مراکز.
گزارش‌گیری	۵۰ درصد	۲- رشد مخاطبان نوجوان کانون در فضای مجازی: درصد افزایش تعداد مخاطبان و مصرف‌کنندگان نوجوان محصولات و خدمات کانون در فضای مجازی نسبت به سال ۱۴۰۴.
گزارش‌گیری	۸۰ درصد	۳- مشورت‌گیری رسمی از نوجوانان: درصد تولیدات سال ۱۴۰۵ که در آنها از سازوکار رسمی مشورت نوجوانان در طراحی، تولید و توزیع محصولات استفاده شده است.
ارزیابی کارشناسان	امتیاز ۹۰ از ۱۰۰	۴- میزان هم‌خوانی خدمات و محصولات با زیست‌جهان نوجوان: ارزیابی کیفی تناسب محتوا، زبان، قالب و موضوعات برنامه‌ها با مسائل واقعی، علایق و دغدغه‌های نوجوان امروز.
نظرسنجی	امتیاز ۷۵ از ۱۰۰	۵- کیفیت ارتباط مریبان کانون با نوجوانان: سنجش کیفیت رابطه مریبان کانون از منظر اعتماد، صمیمیت و اقبال‌پذیری نوجوانان.
نظرسنجی	امتیاز ۷۵ از ۱۰۰	۶- تناسب فضا و محیط مراکز: ارزیابی میزان تناسب فضا و محیط مراکز با زیست‌جهان، ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانان.

✓ سیاست ۲: دسترس‌پذیری هوشمند به خدمات و محصولات کانون

سیاست دسترس‌پذیری هوشمند به خدمات و محصولات به این معناست که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۴۰۵، به‌صورت آگاهانه و هدفمند، زمینه دسترسی حداکثری مخاطبان به خدمات و محصولات فرهنگی-تربیتی خود را در هر دو عرصه فیزیکی و مجازی فراهم سازد. در این سیاست، «دسترس‌پذیری» صرفاً به معنای افزایش تعداد مراکز یا تولیدات نیست، بلکه ناظر به کاهش موانع جغرافیایی، اقتصادی، زمانی و رسانه‌ای برای بهره‌مندی کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها از ظرفیت‌های کانون است.

ضرورت اتخاذ این سیاست از گستره مأموریت ملی کانون و فاصله موجود میان ظرفیت بالای تولید فرهنگی کانون و میزان بهره‌برداری واقعی جامعه از این تولیدات ناشی می‌شود. در شرایطی که امکان توسعه فراگیر کالبدی وجود ندارد، استمرار الگوهای سنتی ارائه خدمات موجب می‌شود بخش قابل توجهی از محصولات، محتواها و برنامه‌های کانون به مخاطب نهایی نرسد و اثرگذاری ملی آن محقق نشود. از این‌رو، بازاندیشی در شیوه‌های دسترسی و توزیع خدمات و محصولات، یک ضرورت راهبردی برای تحقق مأموریت کانون در مقیاس ملی است.

مفهوم «هوشمند» در این سیاست، ناظر به انتخاب مسیرها، ابزارها و بسترهایی است که با کمترین هزینه و بیشترین آورده، بیشترین دامنه اثرگذاری را ایجاد می‌کنند؛ از توسعه هدفمند و محدود فضاهای فیزیکی در نقاط راهبردی کشور به‌عنوان نماد عدالت فرهنگی و قدرت نرم، تا بهره‌گیری حداکثری از بسترهای مجازی، پلتفرم‌های موجود و الگوهای نوین توزیع و ارائه محتوا، همگی در زمره این موضوع جای می‌گیرد. هدف نهایی این سیاست، گسترش ملی دامنه نفوذ فرهنگی کانون و تحقق «میلیونی شدن مخاطبان» خدمات و محصولات کانون است، به‌گونه‌ای که کانون از یک نهاد صرفاً مرکز‌محور، به نهادی دسترس‌پذیر، فراگیر و اثرگذار در زیست روزمره کودکان و نوجوانان تبدیل شود.

واحدهای ستادی، ادارات کل استانی و مراکز کانون، در اجرا و پیاده‌سازی سیاست دسترس‌پذیری هوشمند بایستی اقدامات زیر را به‌عنوان مبنای تدوین برنامه سالانه مدنظر قرار دهند:

۱. توزیع چندکاناله (فیزیکی و مجازی) برای تمام محصولات تولیدی

این سیاست بر درک «دوزیسته» بودن تجربه فرهنگی کودک و نوجوان در جهان امروز استوار است و دسترسی را به‌عنوان جزء ذاتی فرایند تولید فرهنگی، نه مرحله‌ای الحاقی پس از آن، تعریف می‌کند. بر این اساس، همه برنامه‌ها و محصولات کانون باید به‌گونه‌ای طراحی و تولید شوند که هم دارای امتداد معنادار در محیط‌های آنلاین باشند و هم قابلیت حضور مؤثر در کانال‌های متنوع فیزیکی و مجازی را

داشته باشند. فضای مجازی در این رویکرد نه ابزار تبلیغاتی، بلکه بخشی از بستر اصلی تجربه فرهنگی است که امکان تداوم، تعمیق و بازآفرینی تجربه را برای کودک و نوجوان فراهم می‌کند. از سوی دیگر، تک‌کاناله بودن توزیع به‌عنوان یک محدودیت تلقی می‌شود و تصمیمات تولید از ابتدا باید با نگاه به شبکه توزیع چندلایه و کیفیت تجربه دسترسی مخاطب اتخاذ شوند؛ چراکه ارزش و اثر فرهنگی محصول زمانی محقق می‌شود که امکان مواجهه واقعی، گسترده و ماندگار مخاطبان با آن در زیست روزمره‌شان فراهم باشد.

۲. فراگیرسازی حضور فرهنگی کانون در زیست‌بوم‌های متنوع (مدرسه، خانواده، فضای دیجیتال)

مقصود آن است که حضور فرهنگی کانون محدود به فضاهای رسمی و ثابت نباشد، بلکه در بسترهایی شکل بگیرد که کودکان و نوجوانان به‌طور روزمره در آن‌ها زندگی، یادگیری و تعامل می‌کند. بر این اساس، در سطح تصمیم‌سازی، مدرسه، خانواده و فضای دیجیتال بایستی به‌عنوان میدان‌های مکمل و هم‌افزا در نظر گرفته شود و نقش کانون به‌عنوان یک بازیگر فرهنگی پیوسته و در دسترس تعریف گردد. در این چارچوب، میزان نفوذ و پیوند کانون با این زیست‌بوم‌ها، شاخص اصلی تحقق دسترس‌پذیری فرهنگی تلقی می‌شود.

۳. اولویت‌دهی توسعه‌ای به واحدها و استان‌های مسئله‌دار از منظر دسترسی

این سیاست تأکید دارد که تصمیم‌های توسعه‌ای (منابع، نیروی انسانی، حمایت‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها) باید بر اساس شکاف‌های واقعی دسترسی توزیع شوند، نه صرفاً بر مبنای توازن اداری یا سابقه سازمانی. بر این اساس استان‌ها، مراکز و واحدهایی که با محدودیت‌های دسترسی از جانب مخاطبان مواجه‌اند، در اولویت حمایت توسعه‌ای قرار خواهند گرفت.

۴. یکپارچه‌سازی سامانه‌های خدماتی و داده‌ای در قالب پلتفرم ملی واحد کانون

این سیاست به منزله‌ی تصمیم راهبردی برای عبور از پراکندگی سامانه‌ها و یکپارچه‌سازی آنهاست. بر این اساس بایستی، معماری خدمات و داده‌های کانون به سطحی یکپارچه ارتقا یابد تا مخاطب کودک، نوجوان و خانواده‌های آنان از مسیر واحد، ساده و قابل دسترس در تمام زمان‌ها بتوانند از خدمات کانون بهره‌مند شوند. مقصود آن است که پلتفرم ملی کانون نه صرفاً پایگاه داده، بلکه محیط زیست دیجیتال سازمان باشد؛ جایی که مخاطبان بتوانند از هر استان و هر رسانه به مجموعه خدمات، رویدادها و محتوای اختصاصی خود دسترسی یابند. این سیاست، بنیان تحقق «کانون هوشمند» است که همه‌ی واحدها را در دسترس مخاطب نهایی و در ارتباط داده‌محور قرار می‌دهد.

۵. ارتقا عدالت دیجیتال برای دسترسی برابر مناطق و گروه‌های گوناگون

این سیاست تأکید دارد که هدف هوشمندسازی، تنها افزایش تعداد کاربران نیست بلکه تحقق عدالت فرهنگی در بستر فناوری است. بدین منظور بایستی توزیع زیرساخت، محتوا و فرصت‌های دسترسی بر پایه‌ی شاخص‌های محرومیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بازطراحی شود تا کودکان و نوجوانان صرف‌نظر از محل زندگی یا وضعیت اقتصادی، امکان بهره‌مندی برابر از خدمات دیجیتال کانون را داشته باشند. این سیاست، «عدالت دیجیتال» را به‌مثابه تعهد سازمانی برای تضمین حضور برابر همه‌ی مخاطبان در زیست فرهنگی دیجیتال تعریف می‌کند؛ و محور آن، تبدیل فناوری به ابزار رفع فاصله‌ها و تقویت هم‌پیوندی ملی است.

۶. استفاده از تحلیل داده و هوش مصنوعی برای شناخت ترجیحات مصرف فرهنگی و

شخصی‌سازی دسترسی کاربران

این سیاست بر گذار از تصمیم‌گیری‌های صرفاً شهودی و سنتی به سمت سیاست‌گذاری آگاهانه و مبتنی بر شواهد در ارائه خدمات و محصولات تأکید دارد و بهره‌گیری هدفمند از تحلیل داده و هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزار فهم عمیق‌تر مخاطب به رسمیت می‌شناسد. بر این اساس، استقرار یک نظام پایش هوشمند رفتار مخاطبان ضروری است تا الگوهای مصرف فرهنگی، ترجیحات رسانه‌ای، مسیرهای دسترسی، موانع و ظرفیت‌های فردی کودکان و نوجوانان به‌صورت مستمر تحلیل شود. مقصود از این سیاست آن است که محتوا و خدمات کانون به‌شکلی پویا، متناسب و شخصی‌سازی‌شده در اختیار هر مخاطب قرار گیرد و پیام فرهنگی با دقت و اثربخشی بیشتری به مناسب‌ترین گروه‌ها برسد. در این چارچوب، هوش مصنوعی تسهیلگر تحقق «دسترس‌پذیری هوشمند» و گسترش دامنه مخاطبان است.

۷. توسعه آموزش باز، پیوسته و دیجیتال برای ارتقای دسترسی مریبان

این سیاست ناظر بر دگرگونی بنیادین در شیوه دسترسی مریبان به فرصت‌های یادگیری است. جهت اجرای این سیاست بایستی گذار از نظام‌های بسته و دوره‌محور آموزشی به نظامی باز، دائمی و دیجیتال ایجاد شود تا آموزش به فرآیند مداوم رشد حرفه‌ای تبدیل شود. مقصود آن است که هر مریبی، صرف‌نظر از موقعیت مکانی یا سطح خدمت، بتواند به محتوای آموزشی، تجربه‌های عملی و برنامه‌های توسعه مهارت در بسترهای آنلاین و ترکیبی دسترسی داشته باشد. این سیاست آموزش را از «فرآیند اداری» به «زیست حرفه‌ای پویا» ارتقا می‌دهد و زیرساخت لازم برای فعال‌سازی سرمایه انسانی مأموریتی را فراهم می‌سازد.

۸. تقویت شبکه همکاری میان مراکز استانی و دستگاه‌های محلی به‌منظور توسعه دسترسی فرهنگی

این سیاست بر عبور از منطق «خدمت‌رسانی منفرد» به «شبکه‌سازی نهادی» تأکید دارد. ادارات کل استانی موظف‌اند سیاست اجرایی خود را بر پایه تعامل، هم‌افزایی و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی استان تنظیم کنند. مقصود آن است که دسترس‌پذیری فرهنگی مخاطبان به خدمات کانون، حاصل‌کنش مشترک یک شبکه محلی باشد، نه صرفاً ظرفیت‌های درونی کانون. این سیاست، استان را به هاب خدمات دهی به کودک و نوجوان تبدیل می‌کند و امکان گسترش دامنه اثرگذاری کانون را بدون افزایش هزینه‌های ساختاری فراهم می‌آورد.

در جدول زیر، شاخص‌های پایش و ارزیابی سیاست دسترس‌پذیری هوشمند ارائه شده است. این شاخص‌ها به عنوان معیار ارزیابی میزان موفقیت کانون در اجرا و پیاده‌سازی این سیاست در سال ۱۴۰۵ محسوب می‌شود.

شاخص‌های پایش و ارزیابی سیاست دسترس‌پذیری هوشمند به خدمات و محصولات کانون

روش سنجش	هدف	شاخص‌های کمی و کیفی
گزارش‌گیری	۳۰ درصد	۱- رشد تعداد کل مخاطبان خدمات و محصولات کانون : رشد تعداد کل مخاطبان و مصرف‌کنندگان محصولات کانون در کل کشور به نسبت سال ۱۴۰۴. (کودک و نوجوان)
گزارش‌گیری	۳۰ درصد	۲- رشد تعداد کل مخاطبان کانون در مناطق محروم : افزایش تعداد کل مخاطبان خدمات و محصولات کانون در مناطق محروم به نسبت سال ۱۴۰۴.
گزارش‌گیری	۲۰ درصد	۳- رشد تعداد کاربران پلتفرم کانون: رشد ماهانه تعداد کاربران یکتا در پلتفرم کانون در سال ۱۴۰۵.
گزارش‌گیری	۵۰ درصد	۴- دیجیتالی‌سازی محصولات موجود : افزایش دیجیتالی‌سازی محصولات و خدمات موجود کانون جهت ارائه در فضای مجازی و پلتفرم کانون به نسبت سال ۱۴۰۴.
گزارش‌گیری	۳۰ درصد	۵- افزایش دسترس‌پذیری مناطق محروم : افزایش سهم مناطق محروم از داشتن مراکز ثابت، سیار و پستی کانون به نسبت سال ۱۴۰۴.
نظرسنجی	امتیاز ۸۰ از ۱۰۰	۶- رضایت مخاطبان از جذابیت، بروز بودن، تنوع و سهولت دسترسی به خدمات و محصولات

بخش دوم: اصول مکمل

در این بخش، اصول مکمل در پیاده سازی سیاست‌های کلان ارائه می شود؛ اصولی که به‌عنوان چارچوب حاکم بر اجرا، بر تمامی فعالیت‌ها و اقدامات کانون جاری بوده و سیاست‌های کلان الزاماً باید در چارچوب آن‌ها طراحی و اجرا شوند. رعایت این اصول، اجرای سیاست‌ها را در مسیری هم‌سو با مأموریت اصلی کانون هدایت می‌نماید.

۱. مراکز کانون به‌عنوان مرجع فعال ارائه خدمات و محصولات فرهنگی-تربیتی

مراکز کانون باید از وضعیت صرفاً محل برگزاری برنامه‌ها خارج شده و به «مرجع فعال» ارائه و توزیع خدمات و محصولات فرهنگی-تربیتی ویژه کودکان و نوجوانان تبدیل شوند؛ به‌گونه‌ای که در زیست‌بوم محلی خود، نقطه رجوع خانواده‌ها، مدارس و نهادهای فرهنگی باشند. این مرجعیت مستلزم افزایش کیفیت، تنوع و به‌روز بودن خدمات، پیوند مؤثر با نیازهای واقعی مخاطبان و ایفای نقش کنشگرانه مراکز در شناسایی، جذب و نگهداشت مخاطب است. مراکز کانون در این رویکرد، نه یک واحد مصرف‌کننده سیاست‌ها، بلکه بازوی تحقق سیاست‌های نوجوان‌محوری و دسترس‌پذیری هوشمند در سطح محلی محسوب می‌شوند.

۲. تعالی حرفه‌ای و روزآمدسازی مستمر مربیان کانون

مربیان کانون، سرمایه ارزشمند و بی‌بدیل انسانی و عامل اصلی تحقق مأموریت فرهنگی-تربیتی آن هستند و باید در مسیر رشد، تعالی حرفه‌ای و روزآمدی مستمر قرار گیرند. این امر مستلزم توجه نظام‌مند به توانمندسازی مهارتی، به‌روزرسانی دانش تربیتی و فرهنگی، آشنایی با تحولات زیست‌جهان کودک و نوجوان، آشنایی با ابزارهای نوین و رسانه‌های نوپدید در انتقال محتوا و تقویت نقش مربی به‌عنوان تسهیل‌گر، راهنما و الگوی فرهنگی است. مربی روزآمد می‌تواند سیاست نوجوان‌محوری را به تجربه‌ای واقعی برای مخاطب تبدیل کرده و نقش کلیدی در افزایش کیفیت و اثربخشی خدمات کانون ایفا کند.

۳. مخاطب‌محوری در طراحی و تولید محصولات و اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ها

محصولات و فعالیت‌ها و خدمات و برنامه‌های تولیدی کانون باید ناظر به نیازها، علایق و مسائل واقعی کودکان و نوجوانان به‌عنوان مخاطب نهایی برنامه‌ریزی، طراحی و تولید شوند و از محدودشدن به رفع نیازهای داخلی مراکز یا اعضای فعلی فراتر بروند. این رویکرد مستلزم نگاه فراگیر و مخاطب‌محور در فرآیند تولید، توجه به تنوع گروه‌های

سنی، جغرافیایی و فرهنگی و قابلیت عرضه گسترده محصولات در بسترهای مختلف است. محصول کانون باید بتواند به ابزار گسترش دامنه اثرگذاری فرهنگی کانون در سطح جامعه تبدیل گردد.

۴. توسعه فیزیکی هدفمند با رویکرد قدرت نرم و عدالت فرهنگی

توسعه کالبدی و فیزیکی کانون باید متناسب با منابع موجود، مبتنی بر تعامل مؤثر با نهادهای متولی و با تمرکز بر مناطق استراتژیک کشور تدبیر شود. این توسعه نه به معنای گسترش کمی بی‌ضابطه، بلکه ناظر به ایجاد یا تقویت حضور معنادار کانون در نقاط حساس و اولویت‌دار با هدف تقویت قدرت نرم، ارتقای عدالت فرهنگی و افزایش دسترس‌پذیری خدمات است. رویکرد هوشمندانه در توسعه فیزیکی، تضمین می‌کند که هر مداخله کالبدی بیشترین اثر فرهنگی و تربیتی را با کمترین هزینه به همراه داشته باشد.